

ارزش گمرکی غیرواقعی، مبنای تعهدات واقعی

محمد صالحی
رئیس هیئت‌مدیره انجمن پسته ایران

چون گذارد خشت اول بر زمین معمار، کج

گر رساند بر فلک، باشد همان دیوار کج





از مرثیه صادرات و تصمیمات بانک مرکزی هر چه بگوییم کم گفته‌ایم؛ در این وانفسا آنچه که برای دولتمردان اهمیت ندارد تبعات تصمیمات اشتباهی است که پی‌درپی به پیکر نحیف و رنجور بدنه اقتصاد و صادرات کشور وارد می‌کنند. بعد از اعمال تحریم‌های ظالمانه و یک‌جانبه آمریکا علیه اقتصاد و مردم ایران، شاهد اعمال سیاست‌های ارزی انقباضی گسترده از جانب بانک مرکزی بوده‌ایم. هرچند تنظیم و اجرای این قوانین و مقررات مالی و اقتصادی باهدف کنترل حداکثری بر بازار ارز در شرایط غیرعادی زمان تحریم، بوده و هست؛ اما گویا قرار نیست سیاست‌گذاران از این سیاست تکراری اجبار صادرکنندگان به تعهد برای بازگشت ارز که سابقه‌ای نزدیک به یک قرن دارد و هر بار هم ناکارآمدی آن ثابت می‌شود و اثرات مخرب آن بر دوش اقتصاد بخش خصوصی می‌افتد درس بگیرند.

متأسفانه اشتباه در سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان نه‌تنها به‌صورت مستقیم، بلکه اثرات وضعی نیز به همراه دارد؛ به این معنی که تبعات آن سلسله‌وار در رویه‌های اداری و اقتصادی نیز ادامه می‌یابد. چه‌بسا یک‌رویه که در گذشته بر اساس نیازها و شرایط خاصی تدوین شده است، با تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی، کارایی اولیه خود را ازدست‌داده و تبدیل به معضل بزرگی برای فعالان صادراتی می‌شود. ارزش پایه گمرکی و دستورالعمل نحوه تعیین آن، نمونه‌ای بارز ازاین‌دست تراژدی‌های بروکراسی اداری است؛ عددی که در صنعت پسته کارکرد آن (باتوجه‌به معافیت صادرات از پرداخت مالیات) صرفاً آماری بوده است با وضع تحریم‌های ناجوانمردانه علیه کشور و پیچیده‌شدن شرایط ارزی و همچنین صدور دستورالعمل‌های ناقص و ناکارآمد به‌یک‌باره کارکرد متفاوتی پیدا می‌کند و گره‌ای تازه در مسیر صادرات پسته کشور ایجاد می‌شود. شاید در نگاه اول عمق فاجعه مشخص نباشد؛ ولی همین رویه به‌ظاهر ساده در حال حاضر تبدیل به مشکل لاینحلی برای صادرات پسته گشته و پیگیری‌های بیش از یک‌ساله انجمن نیز در خصوص آن به نتیجه‌ای نرسیده است. کتمان واقعیت غیر قابل انکاری به نام "ارز آزاد" توسط سیاست‌گذار پولی کشور، عامل اصلی این معضل بوده و متأسفانه سررشته تمامی راه‌حل‌ها به بانک مرکزی ختم می‌شود. این‌گونه است که با محاسبات ناشی از دستورالعمل‌های گمرکی و بانک مرکزی، نرخ پسته‌ای که در بازار جهانی باقیمت حدود ۷ دلار به فروش می‌رسد، ۹ دلار تعیین می‌گردد. فاجعه از اینجا آغاز می‌شود؛ در این وانفسایی که تعهد ارزی خود به‌اندازه کافی خانمان‌برانداز است، یک ارزش کاملاً غیرواقعی گمرکی، تعهدات ارزی واقعی را برای صادرکنندگان پسته به وجود آورده است. در نتیجه آنچه که امروز با آن مواجهیم: صادرات غیررسمی، طمع واردکنندگان برای صادرات غیر تخصصی پسته، خروج صادرکنندگان از چرخه فعالیت، ازدست‌رفتن یکی پس از دیگری بازارهای بین‌المللی و عدم‌النفع بزرگ برای کشور، ماحصل این سیاست‌های ارزی و مسئولینی که میز ریاست را بر پذیرش حقیقت ترجیح می‌دهند، است. هرچند که بسیار گفتیم و بسیار نشنیدند به مصداق شعر یغمای جندقی:

ما خراب غم و خُمخانه ز مِی آباد است
ناصح از باده سخن کن که نصیحت باد است
گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است...